

دین و دولت در عهد مغول

غلامرضا سمیعی



دین و دولت در ایران عهد مغول تألیف خانم شیرین بیانی در دو مجلد ۸۰۲ صفحه
مرکز نشر دانشگاهی - چاپ اول - ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱

□ ■ □

دوران حکومت مغولان بر نیمی از دنیای قرون هفتم و هشتم هجری و بخصوص ایام فرمانروائی ایلخانان در ایران از ادوار بسیار قابل مطالعه تاریخ جهان است. برای مورخ ژرف بین مسأله هجوم قوم تاتار و داستان پا گرفتن سیادت آن قوم در نیمی از ربع مسکون کره ارض، از جمله خاک ایران، در بیان کیفیت یورش آن قوم و سلطه جابرانه آنان بر نیمی از جهان متمدن آن روزگار و ذکر عباراتی از قبیل «آمدند و کشتند و سوختند و رفتند» خلاصه نمی شود. به سخن دیگر مورخ باریک اندیش در برخورد با مهاجمات این قوم به بیان کیفیت تاخت و تاز، بی رحمی و خونخوارگی مغولان و حتی تحولات شگرف تاریخی و فکری منتجه از آن مهاجمات «از نوع برافتادن حکومت خلفا و اسماعیلیان یا رواج صوفی گری و ترویج تشیع» بسنده نمی کند و می کوشد تا با جست و جو در زوایای تاریخ و مطالعه در آداب و سنن و عقاید آن قوم وحشی و تقلیب احوال آنها در طول زمان نه تنها علل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی توفیق قومی ظاهراً بی فرهنگ را در منکوب ساختن مردم بسیاری از کشورهای با فرهنگ زمان از جمله دولت های دو کشور بزرگ چین و ایران و تأسیس حکومت های دیرپا در این ممالک

بازنماید بلکه بیش از همه چیز پدیده‌های مهمی را که تا حدی راز پیشرفت سریع و تحوّل فکری فرمانروایان مغول را در اندک‌زمان معلوم می‌دارد مورد مطالعه و تدقیق قرار می‌دهد. و این کاری است که مورخ گرانمایه سرکار خانم شیرین بیانی در دو مجلد کتاب ممتع خویش (که گویا مجلد سوّمی نیز در پی دارد) موسوم به دین و دولت در ایران عهد مغول بخوبی از عهده آن برآمده است.

ارزش کار خانم بیانی هنگامی بیشتر نمایان می‌گردد که توجه دقیق ایشان به آداب و رسوم و عقاید مختصّ مغولان و رسوم و آداب متخذّه آن قوم از ملل مغلوب مورد نظر قرار گیرد. نویسنده فاضل در این بخش از مطالب تصنیف خویش با استقصای تامّ و استفاده از مآخذ معتبر عقاید و آداب و رسوم مغولان را اعمّ از اجتماعی یا مذهبی یا خرافی یک‌یک برشمرده و اغلب با ذکر امثله به شرح و بسط آنها پرداخته است و به عقیده نویسنده این سطور این بخش از مطالب جالبترین و سودمندترین بخش کتاب بسیار ارزنده ایشان است که چون ذکر حتی شمه‌ای از این‌گونه مطالب که تعداد کثیری از صفحات کتابشان را دربر می‌گیرد ولو با کمال اختصار در این مقاله میسر نیست اجمالاً به برخی از آنها اشاره کرده و خواننده گرامی را به قرائت تفصیل این‌گونه مطالب عبرت‌انگیز در متن کتاب احاله می‌دهیم. از جمله این مطالب است:

- ۱ - اعتقاد مغولان به سکون روح آدمی در خون او و احتراز از ریختن خون بزرگان، از هر قوم که باشند حتی دشمن سرشناسی چون المستعصم خلیفه عباسی، بر زمین.
- ۲ - اعتقاد راسخ به جادوگری، غیب‌گویی، سعد و نحس کواکب و دیگر انواع خرافات.
- ۳ - اهمّیت عدد نه و اسب سفید و آتش نزد مغولان.
- ۴ - تقدّس آب و ارتباطش با ارواح پاک و اصرار در نیالودن آن حتی از طریق تطهیر و شست‌وشوی بدن.
- ۵ - اعتقاد به الوهیت اژدها و قربانی کردن برای آن.
- ۶ - عدم جواز وارد کردن چاقو در آتش، تکیه دادن به تازیانه، گرفتن ماهی از جویبار، ریختن شیر بر زمین و ادرار در مسکن (که جزای حرکت اخیر مرگ بوده است).
- ۷ - ذبح حیوانات از طریق پاره کردن شکم.
- ۸ - اثبات بی‌گناهی از طریق گذشتن از آتش (یادآور داستان سیاوش در شاهنامه).
- ۹ - ایراد سوگند با دونیم کردن اسبی، قوچی یا سگی بطور دست‌جمعی یا از طریق بریدن انگشت از سوی مرثوس و گردآوری خون خود و عرضه آن به پیشگاه رئیس یا فرمانده.
- ۱۰ - نه بار زانو زدن شاهزادگان در برابر خورشید بجهت شکرگزاری هنگام به تخت نشستن امپراتوران.
- ۱۱ - سر برهنه در برابر خورشید ایستادن به عنوان دعا و استغاثه بر درگاه خدا.
- ۱۲ - دفن سلاطین و شاهزادگان در امکانه ممنوعه بی هیچ نشانه‌ای.

۱۳ - دفن افراد عادی بطور چمباتمه همراه با انواع اغذیه و لوازم زندگی و زیورآلات در سردابهای زیرزمینی و آویختن چند اسب به تیرهایی در مجاورت گورگاه تا طعمهٔ پرندگان شوند به عنوان خیرات برای مردگان.

۱۴ - سه روز روزه گرفتن فرماندهان و لشکریان برای پیروزی در جنگ (نذری که هلاکو پیش از حمله به بغداد در برابر اعلام جهاد خلیفه بدان متمسک می‌شود).

۱۵ - کشتن دشمنان با بکار بردن کلاه میخ‌دار و اعتقاد به شگون آن.

۱۶ - عقیم کردن دشمنان سیاسی بجهت برافتادن نسلشان و بسیاری رسوم و عادات خرافی دیگر که در متن کتاب به اشباع از آنها سخن رفته است.

بخش دیگر خواندنی کتاب سرگذشت غم‌انگیز رجال نامدار ایرانی و حتی هم‌نژادان خویش در دوران حکومت مغولان است که جز به ندرت از خشم پادشاهان خونخوار مصون نمانده و بقول خواجه رشیدالدین فضل‌الله «به اجل مسمی» نمرده‌اند. داستان احوال این گروه از بزرگان بخصوص ایرانیان نام‌آور آن دوران حقیقتاً تأثرانگیز و عبرت‌آور است.

امیراحمد بناکتی که دوران وزارتش اوج قدرت ایرانیان در دستگاه امپراتوران مغول است به جرم ثروت‌اندوزی و اختفای جواهراتش از قان به فرمان قویلای بعد از مرگ، جسدش از گور بیرون کشیده می‌شود طناب بر پایش می‌بندند جنازه‌اش را بر سر چارسوی بازار بزرگ پکن به داور می‌آویزند. زنش، اینجو سلطان را می‌کشند و دو پسرش امیرحسن و امیرحسین را زنده‌زنده پوست می‌کنند.

سنگهٔ ایغوری وزیر به فرمان قان با فروکردن نجاست در دهانش به قتل می‌رسد. عظاملک جوینی را به جرم مکاتبه با دشمنان (فرمانروایان مصر و شام) به فرمان اباقا پای در زنجیر بر سر پل بغداد شکنجه می‌کنند.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر نام‌آور و دانشمند و متفکر عالیقدر را به فرمان ابوسعید و به اتهام واهی مسموم کردن اولجایتو پس از محاکمه‌ای عاجل از کمر به دونیم می‌کنند، اموالش را به غارت می‌برند مجموعهٔ بزرگ فرهنگیش را ویران می‌سازند سپس بدنش را قطعه‌قطعه کرده سرش را به تبریز و هر عضو از اعضای بدنش را به شهری گسیل می‌دارند.

تسامح مذهبی مغولان در عین اعتقاد آن قوم به الوهیت چنگیز و خاندانش، وضع روحانیون در زمان آنها، گسترش ادیان مسیحیت و اسلام در چین، رواج تشیع و نقش آن در نابودی اسماعیلیان و براندازی دستگاه خلافت عباسی، نقش خواجه نصیرالدین طوسی در بازسازی ایران، صعود و افول بت‌پرستی، بودائی‌گری و یهودیت در دورهٔ ایلخانان، تجدید حیات ملیت و فرهنگ ایرانی در دوران حکومت غازان، تشکیلات روحانیون و روحانیت در دوران

مغول، تشکیلات صوفیان و قدرت شیوخ آنان، رواج فتوت و نهضت‌های مردمی مبتنی بر عقاید فتیان و حکومت مستعجل طایفه‌ای از این مردم در دوران مغولان نیز از عمده‌ترین مطالبی است که در کتاب خانم بیانی بدانها توجه شده است.

با این‌که خانم نویسنده در کتاب خود کمتر از حد رشته اختصاصی خویش یعنی تاریخ تجاوز کرده است، در کتاب وی استطراداً و بطور غیرمستقیم به برخی افادات علمی و ادبی برمی‌خوریم که از آن جمله است شرح احوال و آثار تعدادی از مورخان، علما، شعرا و صوفیان نامدار دوران مغول از قبیل عظاملک جوینی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، خواجه نصیرالدین طوسی، مولانا جلال‌الدین بلخی رومی، اوحدالدین کرمانی، نورالدین اسفراینی و علاءالدوله سمنانی که می‌توان آنها را به منزله گلهائی دانست که در جهنم روئیده‌اند. همچنین است اشاره نویسنده به اصطلاحاتی ادبی که در دوران مغول به نثر و شعر فارسی راه یافته و مدت‌ها معنی و مفهوم آنها مورد بحث محافل ادبی بوده است از قبیل پری‌داری به معنی جن‌گیری، کاسه گرفتن به معنی نوشیدن شراب به سلامتی دیگران، شکرآویز به معنی دستاری با پیچشی خاص (یا تحت‌الحنک) مخصوص مولویان که در شعر مولانا و حافظ مورد استعمال یافته‌اند.

آنچه باقی می‌ماند اشارت‌گونه‌ای است به صدمات و لطماتی که از ایلغار مغول نصیب اخلاقیات و علم و ادب و هنر و بطور کلی فرهنگ ملل تحت سیطره مغولان و بخصوص ایرانیان گردیده است که اهم آنها بروز فقر و ادبار لایطاق در کل جامعه و پی آمدهای ناگزیر آن یعنی تدنی اخلاقی، رواج فساد و فحشاء، تضعیف روحیه حماسی، گرایش عامه مردم از وضیع و شریف به بدبینی، إعراض از دنیا و بی‌اعتنائی به عوالم مادی، فتور ارکان علم و ادب، رواج تصوف منفی و ریاضت، کساد بازار شعر و هنر، انحطاط اخلاقی اهل شعر و هنر و قحط‌الرجال علم و ادب و هنر و سیاست و نظایر این مصائب است که احتمالاً نویسنده محترم در مجلد سوم اثر خویش بدانها پرداخته است.

در پایان شایان تذکر است که با آن‌که کتاب هشتصد و اند صفحه‌ای خانم بیانی از برخی مسامحات لفظی و اغلاط چاپی مصون نمانده است بعد از تکمیل مجلدات بی‌هیچ شکلی دقیق‌ترین و مستندترین کتابی است که تاکنون در مورد تاریخ قوم مغول به رشته تحریر درآمده است. توفیق نویسنده را در تکمیل مطالب و تنقیح چاپهای بعدی کتاب از خداوند متعال خواهانیم.

